

اولین جلسه جنالی ترین پرونده قتل سال های اخیر برگزار شد

روایت جنایت در دادگاه؛ مذاکره در حاشیه

وکیل نجفی: اولیای دم راه را برای مذاکره باز کردند

داشت و گفت که دخالت برخلاف موازین قانونی رسانه ها باعث تشویش افکار عمومی شد. همچنین برخی دستگاه های اجرایی هم سعی کردند در امور قضایی دخالت کنند که درست نبود.

۳ اتهام نجفی

در ادامه این جلسه، محمدشهریاری سرپرست دادسرای جنایی تهران و قاضی قدیمی حوزه قتل و

جنایت، در بیان جزئیات کیفر خواست صادر شده علیه نجفی، سه اتهام شامل مباشرت در قتل عمدی مرخوم میرزا استاد با سلاح گرم، حمل و نقل سلاح و مهمات جنگی غیر مجاز و ایراد صدمه غیر منتهی به فوت را برشمرده و اشاره به مشاهدات صحنه جرم اظهار کرد: پس از اعلام قتل، بازپرس ویژه در محل حاضر شده و میرزا استاد را در حالی که در وان قرار داشت و از پهلوی سمت چپش خون ریزی مشاهده می شد، کشف کردند. اسباب منزل هنوز چیدمان نشده بود و دست نوشته ای در محل کشف شد.

دست نوشته نجفی حاوی چه بود؟

شهریاری در توضیح محتویات مندرج در دست نوشته نجفی گفت: در یک سال گذشته تلاش زیادی کردم تا بدون خون ریزی و توافق مشکلات را حل کنیم اما هیچ راهکاری را مبنی بر طلاق توافقی و گرفتن تمام حقوق خود ندیدیم. همسر دوم من بارها تهدید کرده بود با مردان اجنبی که شما به آن ها حساس هستید هم بستر خواهم شد و تا این کار را انجام ندهم دست بردار نخواهم بود و شروع کرد به تماس گرفتن با مردانی که در گذشته با آن ها سر و سری داشته است. از نظر من مهدور الدم بودن وی ثابت شده بود و بارها مرا تهدید می کرد تا این روابط زشت را انجام ندهم دست بردار نخواهم بود و دیگر خسته شده بودم و بارها مرا مورد تهدید و توهین های زشت قرار می داد. به رغم میل من، میرزا استاد به عقد دائمی با مهریه هنگفت در آمد. مشکلات عمیق تر می شود و بارها توهین و تهمت به من می زد و تهدیدات ادامه داشت. امروز کارش را یک سره کردم. امیدوارم خدا مرا ببخشد و از همه دوستان و آشنایان پوزش می طلبم و تقاضای عفو دارم. از باران عزیزم که شش ماه است به دلیل این خانم از دیدنش محروم شدم پوزش دارم. سرپرست دادسرای ویژه قتل پایتخت، ادامه داد: با برداشتن از این دست نوشته ها احساس شد که (متهم) دست به خودکشی زده و بررسی ها را آغاز کردیم اما آن جانبود تا این که در ساعت ۱۹

هادی محمدی - روز گذشته سالن بزرگ اجتماعات دادگاه کیفری یک استان تهران میزبان اولین جلسه دادگاه رسیدگی به جنجالی ترین پرونده قتل سال های اخیر بود. پرونده قتلی که محمد علی نجفی سیاستمدار برجسته ایران در چهار دهه اخیر در جایگاه متهم آن قرار دارد و در سوی دیگر میرزا استاد که در یک نزاع خانوادگی و دعوی زناشویی قربانی شده است. نماینده دادستان در عین حال در جلسه دیروز کرد با توجه به همه شواهد و اقرار، نجفی را قاتل دانست و بر اساس درخواست قصاص اولیای دم، او را مستحق قصاص دانست. او در بخشی از دادگاه، متن یادداشت نجفی پس از ارتکاب قتل را خواند که نجفی در آن با اشاره به قصد میرزا استاد برای روابط با مردان اجنبی او را مهدور الدم دانسته است. نجفی در عین حال در جلسه دیروز هم چهره آرمی داشت و حتی رسانه ها از مذاکره و کلای نجفی و اولیای دم میرزا استاد در حاشیه دادگاه خبر دادند. گودرزی وکیل نجفی هم پس از جلسه دادگاه اعلام کرد: اظهارات اولیای دم مسبوط نبود و راه را برای مذاکره باز کردند و امید است فرصتی فراهم شود که بتوانیم مذاکره ای داشته باشیم.

موافقت رئیس قوه قضاییه با انتشار محتوای دادگاه نجفی

به گزارش خراسان، روز گذشته ده ها خبرنگار و تصویر بردار پس از ۴۷ روز پیگیری پرونده قتل میرزا استاد به دادگاه دعوت شده بودند تا شاهد اولین جلسه رسیدگی به این پرونده به ریاست قاضی محمدی کشکولی باشند. دادگاه با کمی تاخیر در ساعت ۹ و نیم صبح در حالی آغاز به کار کرد که از دقایقی قبل نجفی با دست بند وارد دادگاه شدند و کنار گودرزی، عقایی و علیزاده طباطبایی، سه وکیل مدافع خود نشسته بود. ردیف پشت سر او نیز هراتنجفی دختر و علیرضا بیری دامادش به همراه آقا زاده راننده وی و معصومه شریفیان خبرنگار سیاسی سایت انصاف نیز به عنوان مطلعان پرونده پر کرده بودند. اما در سوی دیگر دادگاه دو وکیل مدافع اولیای دم نشسته بودند و البته مسعود استاد به دلیل مقتوله نیز به عنوان مطلع در دادگاه حاضر شده بود. نکته جالب این که به گفته قاضی کشکولی پدر، مادر و فرزند میرزا استاد به عنوان اولیای دم، به رغم دعوت به دادگاه نیامده بودند. در ابتدای جلسه، قاضی کشکولی رئیس شعبه نهم دادگاه کیفری به قرائت ماده ۴۰۰ آیین دادرسی مبنی بر این که انتشار محتوای دادگاه بدون اجازه دادگاه ممنوع است، پرداخت اما در پایان تصریح کرد: در این پرونده با پیشنهاد دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضاییه قرار است محتوای جلسات توسط رسانه ها منتشر شود. وی در ادامه دلیل این استثنای شدن را وضعیت اجتماعی پرونده اعلام کرد.

قاضی در اولین جلسه نقدی هم به رسانه ها



مذاکره نجفی با مسعود استاد برادر همسر مقتولش گمانه ها را برای گشودن راه جدید در پرونده افزایش داده است

علاقه بین طرفین شد، میرزا می گفت مطلقه و مسلمان است اما مشخص شد که قبل از مسلمان شدن با فردی رابطه داشته، بعد با دیپلماتی آشنا و مسلمان شد، چند بار با افراد مختلف عقد کرده بود، در نهایت با یافتن دروغ هایی در تیر ماه به عقد موقت من در آمد که خیلی اشتباه کردم.

مشکلات بیشتری شد، میرزا توهین می کرد و تهمت می زد، این مسائل مرا به این جا رساند که وی مهدور الدم است که چنین کاری کردم و تقاضای عفو دارم.

وی گفت: متهم همچنین در دست نوشته دیگری که در منزل دختری یافت شده، ارتباط با برخی افراد و توهین و تهدید را انگیزه قتل اعلام کرده است. حسب نظریه کارشناسی، دست نوشته های مقتول با دستخط نجفی تطبیق داده شده و متهم در باره مهدور الدم اعلام کردن میرزا استاد گفته در نامه ای که به دخترم نوشته ام توضیحات بیشتری دادم و چون فکر می کردم به خاطر قتل، تحت فشار قرار می گیرم، عنوان مهدور الدم را به کار بردم تا ابزاری برای خراج شدن از فشار داشته باشم و این موضوع پس از قتل به ذهنم رسید، نه قبل از آن.

شهریاری افزود: مهریاری، پسر ۱۶ ساله میرزا استاد در تحقیقات به عمل آمده می گوید که در ساعت ۱۲:۲۰ تا ۱۲:۱۲ و نیم مورخ ۷ خرداد ۹۸ به منزل مادرم برای گرفتن پول آژانس مراجعه کردم و دیدم دو نفر غریبه (دختر و داماد) با من (نجفی) همراه راننده وی مقابل در هستند. پس از ورود به منزل با پاییکر خونین مادرم مواجه شدم. فکر نمی کردم مرده باشد. از دختر آقای نجفی خواستم با اورژانس تماس بگیرد. هر چه با نجفی تماس می گرفتم تلفن همراهش خاموش بود. نجفی از شب گذشته در آپارتمان بود و ساعت ۱۲ صبح پس از دو ساعت و نیم، پایان اولین جلسه رسیدگی را اعلام کرد و گفت که جلسه بعدی رسیدگی به این پرونده، ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه خواهد بود.

ماجرا از زبان دختر نجفی

در ادامه این جلسه زهران نجفی با حضور در جایگاه، گفت: در ۷ خرداد آقای آقا زاده راننده نجفی، به منزل ما آمد و دو کیف دستی به من داد. در یکی از کیف ها نامه ای از پدرم که شامل سه صفحه بود مشاهده کردم و به دلیل این که پدرم در آن نامه از مردم ایران و فامیل و خانواده عذر خواهی کرده بود رسیدم. نگران شدم و با همسرم تماس گرفتم. حدود ساعت ۱۲ تا ۱۲:۱۰ و نیم به بر میز مینا محل زندگی پدرم رسیدیم. چند بار آقای آقا زاده زنگ زد ولی کسی جواب نداد و بعد با کلید در را باز کردیم

گودرزی وکیل مدافع محمد علی نجفی نیز در جمع خبرنگاران گفت: در نهایت انتقادی به جلسه امروز (دیروز) وارد نیست. اظهارات اولیای دم مسبوط نبود ولی به هر حال راه را برای مذاکره باز کردند و این فرصت شاید ایجاد شود تا مذاکره ای داشته باشیم و خانواده استاد هم تشفی خاطر ی برایشان ایجاد شود که صدمه روحی نخورند و به شکلی عمل کنیم

و قبل از ورود آقای آقا زاده باز هم پدرم و همسرش را صدا زدند ولی صدایی نشنیدیم و هیچ کس در را باز نکرد و ما در نهایت وارد شدیم. آقای آقا زاده اولین نفری بودند که جسد را مشاهده کردند. بعد همسرم رفت و سپس من جسد را مشاهده کردم و در این زمان پسر خانم استاد رسید که من از همسرم خواستم او را بیرون ببرد تا این صحنه را نبیند، سپس آقای آقا زاده سمت اتاق خواب رفتند و در را باز کرد و دو یک دفعه گفتند با ابو الفضل. همسرم علیرضا بیری پشت سرشان رفتند و با جسد مرخومه روبه رو شدند و شوکه شدیم و به بدن میرزا استاد دست زدند که سر دبود.

راننده نجفی، اولین کسی که جسد را دیده

در ادامه جلسه دادگاه، آقا زاده راننده محمد علی نجفی به دستور قاضی در جایگاه قرار گرفت و در پاسخ به سوال قاضی مبنی بر این که از چه زمانی آقای نجفی را می شناسید؟ گفت: من از خرداد سال ۹۷ با ایشان آشنا شدم. در شهر داری هم کار می کردم و در این یک سال کنار ایشان بودم. آقا زاده گفت: آقای نجفی ساعت ۹:۲۶ صبح با من تماس گرفت و گفت فوری بیا. وقتی به خانه ایشان رفتم دو عدد کیف، یکی مشکوی دیگری قهوه ای رنگ به من دادند و گفت دارم نامه ای می نویسم، پایین باش و وقتی زنگ زد من بیا بالا نامه ها را برای زهر دخترم ببر. حدود یک ربع بعد ایشان زنگ زد و وقتی بالا رفتم کیف قهوه ای را به او داد که نامه را در داخل کیف گذاشت و به من داد. بنده در این لحظه دیدم مچ پا و لباس آقای نجفی خونی است، گفتم چه شده؟ گفت در گیر شدیم قفتم: خانم استاد کجاست؟ گفت: بیرون رفته است. آقا زاده در پاسخ به این سوال که آیا از اختلافات خانوادگی شان خبر داشتید؟ گفت: من یکی دو بار سرو صورت ز کتر را دیده بودم که کیود است، یک بار هم تلفنی دعوا ایشان شد اما از ایشان سوال نکردم. در این لحظه معصومه رشیدیان خبرنگار انصاف نیز نیز در جایگاه قرار گرفت و توضیحاتی در باره آخرین قرار مصاحبه با میرزا استاد داد.

قاضی کشکولی رئیس دادگاه، حدود ساعت ۱۲ ظهر پس از دو ساعت و نیم، پایان اولین جلسه رسیدگی را اعلام کرد و گفت که جلسه بعدی رسیدگی به این پرونده، ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه خواهد بود.

مسعود استاد: کوتاه نمی آیم

همچنین برادر میرزا استاد، حسین خروج از دادگاه در جمع خبرنگاران گفت: به هیچ عنوان از قصاص کوتاه نمی آیم. وی در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران مبنی بر این که خیلی ها اصرار دارند بگویند نجفی قتل را به گردن گرفته است، گفت: خیر، این گونه نیست، تمام ادبای ما خواهد در دادگاه حاضر شوند و ما فقط ایشان از ساختمان خارج شده و شخص دیگری نبوده است.

وکیل نجفی: راه برای مذاکره با اولیای دم باز شده است

بحث دفاع. طبیعتاً پاسخ منفی است. اجازه دهید چهارشنبه دفاعیاتم را بگویم، شاید راه جدیدی برای پرونده گشوده شود. وی افزود: مذاکره ای با خانواده مقتول به طور رسمی نداریم ولی تقاضا کرده ایم و امیدواریم پاسخ مثبت بدهند. شایان ذکر است در پایان جلسه وکلای اولیای دم درخواست ملاقات و گفت و گو با محمد علی نجفی و وکلای وی را داشتند.

حاشیه های خراسان

● در چند بخش از دادگاه قاضی به نماینده دادستان تذکر داد که برخی موضوعات نباید در دادگاه علنی، مطرح شود و مستلزم طرح در جلسات غیر علنی است همچنین به رسانه ها نیز در باره بخشی هایی از جلسه و انتشار آن هتذکر کرد.

● نماینده دادستان در پاسخ به برخی از انتقادات که گفته می شد روند رسیدگی به این پرونده با سرعت بالایی انجام شده گفت: این پرونده چهار روز تحقیقاتش به پایان نرسیده بلکه یک هفته زمان برده و ما ده ها پرونده در این زمینه را رسیدگی می کنیم که کمتر از ۱۰ روز روند آن به پایان می رسد. به تازگی در قتل شیر محمد علی هم کمتر از ۴۸ ساعت کیفرخواستش به دادگاه راه سال شد.

● در این جلسه بالشی که در ارتکاب جرم نجفی از اتاق خواب برداشته شده و به سمت مقتوله پرتاب کرده بود به همراه اسلحه آلت جرم وی میز نماینده دادستان قرار داشت.

در امتداد تاریکی

کاری که به استخوان رسید!

آن قدر کتکم زد و شکنجه ام داد که بالاخره مجبور شدم نوزادم را بردارم و خانه و زندگی ام را ترک کنم، زیرا قصد دارم پسر مرا به دور از هیاهو و آشفتگی های زندگی بزرگ کنم ولی نمی دانم باید به کجا بروم تا... زن ۳۳ ساله که همه زندگی اش را درون یک چمدان مسافرتی جا داده بود و نوزاد زبیبی را در آغوش می فشرد، مادر نگران و واردا دیده به کمد کاری اجتماعی کلانتری شغای مشهد شد و به کارشناس اجتماعی گفت: نوجوانی ۱۴ ساله بودم که پدرم بر اثر بیماری قلبی جان سپرد و مادرم سرپرستی من و دیگر خواهران و برادرانم را به عهده گرفت. اگر چه همه مخارج زندگی ما از طریق مستمری ناچیز مادرم تا همین می شد، اما زندگی بی دغدغه ای داشتیم. پنج سال بعد «کیانوش» که دوست یکی از دوستان برادرم بود، به خواستگاری ام آمد. آشنایی زیادی با خانواده کیانوش نداشتیم و تنها به تعریف و تمجید های دوست برادرم اکتفا کردیم و بدین ترتیب من پای سفره عقد با کیانوش نشستیم اما در همان روز های اول زندگی دریافتیم که در انتخاب خود دچار اشتباه شده ام و کیانوش همه را خوبی در زندگی مشترک با من نیست، چرا که او به مواد مخدر اعتیاد داشت و با شرب خمر و عریه کشی در محل، هر روز جنجالی به راه می انداخت و در همان حال غیر طبیعی توسط نیرو های انتظامی دستگیر می شد. خلاصه، در طول هشت سال زندگی مشترک با کیانوش، هیچ گاه روز خوبی را تجربه نکردم، زیرا در همه این سال ها فقط راه کلانتری، دادگاه و زندان را طی می کردم و خانه و زندگی ام را فراموش کرده بودم. وقتی کار دیده استخوان رسید، دیگر نتوانستم این وضعیت را تحمل کنم، به همین دلیل بخشی از مهریه ام را گرفتم و با کوله باری از تنهایی و ناامیدی به منزل مادرم گشتم. اما نه تنها راه امش نرسیدم بلکه بر مشکلاتم افزوده شد، چرا که برادر نیز آلوده مواد مخدر صنعتی شده بود و برای گرفتن پول های مرا کتک می زد. آن زمان برای تامین هزینه های زندگی ام در یک رستوران کار می کردم اما زمانی که به منزل باز می گشتم، برادرم منتظر بود تا پول های کارگری من را بکشتم. اما نه تنها به امش نرسیدم، زنجیر و قلاب های همسایگان را امتحان درگیری با منی کرد، به همین دلیل صبح زود از خانه خارج می شدم تا کسی مرا نبیند. بالاخره برای رهایی از این وضعیت، منزل مجردی را اجاره کردم تا از کتک های برادرم خلاص شوم. با این حال، مشکلات دیگری به سراغم آمد، زیرا از نگاه هوس آلود مردان غریبه در اما ن نبودم و پایشنهادهای زشت برخی انسان های کج فهم، روبه رومی شدم. از سوی دیگر نیز به خاطر آن که زن مطلقه بودم در محل کارم تحت فشار بودم، تا این که به ناچار از کار در رستوران منصرف شدم، اما اجاره منزل من عقب افتاده بود و توان بازگشت به منزل مادرم را نیز نداشتم. خلاصه، در همین روز ها بود که دختر عمومیم پیش نهاد اوج با صفر را داد. او همسر دومش را طلاق داده بود و همسر اولش نیز دچار معلولیت جسمانی بود. من هم به امید داشتن یک سرپناه و رهایی از برخی چشمان هوس آلود، به عقد اصغر در آمدم تا حداقل کمی آرامش را در زندگی ام تجربه کنم. اما باز هم همه از رویاهایم به خاکستر پاش تبدیل شد. اصغر ابتدا با جرب زبانی پس انداز های کارگری و پول مهریه ام را از چنگم در آورد و بعد از آن، چهره واقعی خودش را نشان داد. او به تحریک همسر اولش مدام مرا اذیت می کرد و نطقه ام را نمی پرداخت. همسر معتقد بود من همسر دوم او هستم و باید خودم هزینه های زندگی ام را تامین کنم. با همه این سختی ها و بد اخلاقی های همسرم باردار شدم چرا که می خواستم خانواده ای داشته باشم اما بعد از به دنیا آمدن پسرم، رفتار های خشن اصغر بیشتر شد. او نه تنها هزینه نوزاد کوچکم را نمی داد بلکه مرا نیز در منزل زندانی می کرد تا بیرون نروم. وقتی اعتراض می کردم آن قدر با مشت بر سرم می کوبید که گاهی از هوش می رفتم. او پسرم را به زور از من می گیرد و زن دهمویم می برد تا من اخاذی کند چرا که به خوبی می داند تحمل جدایی از پسرم را ندارم. در این وضعیت به ناچار چمدانم را بستم و با ندایی آشفته این زندگی زجر آور خدا حافظی کردم ولی باز هم حیران و سرگردانمومی ترسم که...

شایان ذکر است، به دستور سرهنگ نوروزی (رئیس کلانتری که اقامت) این پرونده در دایره مددکاری مورد رسیدگی قرار گرفت.

ماجرا ی واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

یک شرکت معتبر تولیدی صنعت غذا

با هدف توسعه بازار خارجی در صادرات نیازمند تحقیقات بازار به همراه جذب سرمایه گذار میباشد

لذا متقاضیان می توانند درخواست خود را به آدرس
Email:ir.foodindustry@gmail.com
۰۹۲۰۰۲۲۲۲۲۲ **ارسال نمایند.**

پلی کر بنات کارآفرینی و بیزنس

پشم شیشه - پشم سنگ

توری مرغی

۰۹۱۵۱۱۶۱۱۵۸ - ۰۵۱ ۳۶۶۶۲۵۵۵

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت کارتین مشهد (سهامی عام)

به شماره ثبت ۳۳۳۳ و شناسه ملی ۱۹۲۳۴۵۰۳۸۰

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت کارتین مشهد (سهامی عام) دعوت می نماید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان شرکت که در ساعت ۱۰ صبح روز ۲ شنبه مورخ ۹۸/۴/۳۱ در محل کارخانه واقع در مشهد، کیلومتر ۱۸ جاده مشهد - قوچان کوچه شهید محمد یزدی تشکیل می گردد حضور بهم رسانند. ضمنا به اطلاع می رساند که بر که ورود به جلسه تا آخر وقت اداری یک روز قبل از تشکیل مجمع با ارائه اوراق سهام در محل فوق الذکر توزیع خواهد شد.

دستور جلسه: ۱- استماع گزارش هیئت مدیره بازرس قانونی و حسابرس شرکت در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ ۲- تصویب صورتهای مالی سال منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ ۳- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس شرکت ۴- تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت ۵- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد. **هیئت مدیره شرکت کارتین مشهد (سهامی عام)**

۶/۹۸۰۵۰۸۷۵

شمارا به دیدن برنامه پایش در روز یکشنبه ساعت ۲۰ شبکه یک دعوت می نماییم.

پوشاک اطمینان

جوادحسین پور حجار ملیحه مدبری

۶/۹۸۰۵۰۸۷۵

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت پارت کاغذ (سهامی خاص)

به شماره ثبت ۵۶۷۱ و شناسه ملی ۰۵۰۳۸۰۲۱۵۰

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت پارت کاغذ (سهامی خاص) دعوت می نماید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان شرکت که در ساعت ۲ روز ۲ شنبه مورخ ۹۸/۴/۳۱ در محل کارخانه واقع در مشهد، کیلومتر ۱۸ جاده مشهد - قوچان کوچه شهید محمد یزدی تشکیل می گردد حضور بهم رسانند. ضمنا به اطلاع می رساند که بر که ورود به جلسه تا آخر وقت اداری یک روز قبل از تشکیل مجمع با ارائه اوراق سهام در محل فوق الذکر توزیع خواهد شد. **دستور جلسه:** ۱- استماع گزارش هیئت مدیره. بازرس قانونی و حسابرس شرکت در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ ۲- تصویب صورتهای مالی سال منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ ۳- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس شرکت ۴- تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت ۵- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد. **هیئت مدیره شرکت پارت کاغذ (سهامی خاص)**

۶/۹۸۰۵۰۸۷۵